

# بودجه سال ۷۲، برابری ارزی و مسئله حذف سوبسیدها

بر اساس گزارش رفسنجانی به مجلس این نخستین بودجه کشور است که پیرو تصمیم دولت مبنی بر یکسان سازی نرخ ارز، ارقام آن بر اساس نرخ ارزی که "بر اساس عرضه و تقاضا" محاسبه خواهد شد، تنظیم شده است.

بر اساس گزارش رفسنجانی به مجلس، بودجه کل کشور در سال ۱۳۷۲، به رقم ۵۴۱۷۹/۷ میلیارد ریال بالغ خواهد شد، که ۲۲٪ آن از محل درآمد های

هاشمی رفسنجانی طی سخنانی در مجلس شورای اسلامی بودجه سال ۱۳۷۲ را به مجلس تقدیم کرد. وی در مقدمه این سخنرانی فلسفه بودجه ارائه شده به مجلس را چنین توصیف کرد: "دولت حاضر هرچه در توان دارد انجام خواهد داد و تصمیمات لازم را اتخاذ خواهد کرد تا جمهوری اسلامی ایران را در مسیر پیشرفت قرار دهد، بنحوی که ... کشور آزاد، آباد و دارای جایگاهی شایسته در جهان امروز داشته باشیم..."

ادامه در ص ۳

نامه مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۹۴، دوره هشتم  
سال هشتم، ۱۳ بهمن ۱۳۷۱

## ده سال پس از یورش

حزب توده ایران - این پروتبه و ققنوس رزم زحمتکشان میهن ما همچنان با استواری و پویندگی پرچم آرمانهای مردم وطن ما را برای آزادی، صلح و عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه" بدوش می کشد.

در سحرگاه ۱۷ بهمن سال ۱۳۶۱، گزمگان مسلح رژیم، پاسداران استبداد، جهل و تاریکی، به دستور خمینی به حزب توده ها و زحمتکشان کشورمان یورش بردند تا "ریشه آنرا" از میهن کنده و خیال استبداد، ارتجاع و امپریالیسم را از خطر حزب توده ایران آسوده سازند.

هدف، تمام کردن کارنامه رژیم گذشته، یعنی نابودی فیزیکی و معنوی حزب توده ایران بود. برنامه این یورش جنایتکارانه از ماه ها پیش با همکاری نزدیک دستگاه های امنیتی جمهوری اسلامی، پاکستان، اسرائیل و سرویس های جاسوسی بریتانیا و آمریکا تنظیم و آماده اجرا شده بود.

شکنجه گران آخرین وسایل و تجهیزات دریافتی خود را امتحان کرده و آماده پذیرایی از قربانیان خود بودند. سران رژیم در یک کارزار گسترده ضد اطلاعاتی و فریبکاری، از رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی گرفته تا مستولان قضایی کشور، در دیدارهای مختلف با نمایندگان حزب ما، خیر از آزاد سازی روزنامه ها، مجلات، و رفقای چاپخانه حزب که ماه ها قبل توقیف شده بودند، می دادند.

رهبری حزب در شرایط دشواری قرار گرفته بود، کتر کسی بود که خطر را احساس نکند. چه باید کرد؟ مهاجرت یا ایستادن و مبارزه تا آخرین قطره خون؟ تلاش برای تغییر ساختار تشکیلاتی حزب و از زیر ضربه خارج کردن آن، اگرچه با کندی و تاخیر، آغاز شده بود. دشمن تعقیب گسترده رفقای رهبری

حزب، استراق سمع وسیع تلفنی را تدارک دیده بود و خانه اعضای رهبری به صورت شبانه روزی زیر نظر قرار گرفته بود.

سراجمام به فرمان خمینی و در حالیکه تدارک سالگرد انقلاب در راه بود، یورش به حزب توده ایران آغاز گردید. هزاران نفر در تهران و شهرهای مختلف کشور دستگیر و روانه شکنجه گاهها گردیدند. تلاش برای درهم شکستن مقاومت اعضای رهبری حزب با شدت بی سابقه ای ادامه داشت. شکنجه ها لحظه ای قطع نمی شد و آخرین وسایل برای درهم شکستن انسان هایی که تنها "جرمشان" مبارزه در راه آزادی و استقلال میهن بود به کار گرفته می شد.

انسان های مبارزی که ۲۵ سال در زندان های رژیم ستم شاهی زجر کشیده بودند، باردیگر در دخمه های مخوف سلول های انفرادی "کمیته" بند بند وجودشان به آزمون دشواری کشیده می شد.

سران رژیم، موفقیت در عملیات یورش به حزب را مهمتر از پیروزی در جبهه های جنگ ارزیابی کردند و خمینی از "سربازان گمنام" امام زمان، که بعدها با رو شدن اقتضاح "ایران گیت" مشخص گردید همان جاسوسان سیا، اپنتلیجنس سرویس، و موساد بوده اند، بخاطر این پیروزی بزرگ تشکر کرد. رادیو اوپسی در خارج از کشور به رژیم تبریک گفته و روزنامه "نایمز" چاپ لندن در سرمقاله خود ضمن اعتراف به شکنجه های حیوانی شکنجه گران در زندان ها، جهان غرب را به حمایت

ادامه در ص ۲

۱۴ بهمن، سالگرد  
شهادت دکتر تقی ارانی  
و روز شهدای حزب

"جریان تاریخ شط  
مقدس و روشنی است که به  
دریای تکامل می ریزد.  
بگذار تا در این شط مقدس  
از قطراتی باشیم که به دریا  
می ریزند نه از آنهایی که در  
لجن کناره آلوده و گندیده  
می شوند."

دکتر تقی ارانی

ص ۲

در دیگر صفحات:

دوازدهمین کنگره حزب  
کمونیست آلمان

ص ۸

تصویب نامه مقابله  
با تهاجم فرهنگی!

ص ۷

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طردباد رژیم "ولایت فقیه"!

## ۱۴ بهمن، ۵۳ - مین سالگرد

## شهادت دکتر تقی ارانی

## و روز شهدای حزب



همزمانش ، امتیاز چاپ مجله "دنیا" را دریافت کرد و این مجله را به عنوان نخستین نشریه ای که به ترویج علمی جهان بینی علمی و پایه های فلسفی آن ، یعنی مارکسیسم ، مبادرت می کرد ، انتشار داد .

یکسال و نیم فعالیت پریار و انتشار ۱۲ شماره مجله ، "دنیا" را به کانون هواداران و مبارزان راه صلح و سوسیالیسم بدل کرد و به دنبال تصمیم رهبری حزب کمونیست ( در مهاجرت ) "دنیا" ، بی آنکه رسماً اعلام شود ، به عنوان ارگان حزب کمونیست ایران پذیرفته شد .

مبارزه دکتر ارانی و یارانش در سال های ۱۳۱۲ - ۱۳۱۴ ، و سازماندهی انتصاب در دانشگاههای تهران علیه حکومت ترور رضا خان ، سرانجام به تعطیل شدن "دنیا" در سال ۱۳۱۴ و دستگیری ارانی و یارانش ، که بعدها به گروه ۵۳ نفر مشهور شدند ، انجامید .

دکتر ارانی با مقاومت دلیرانه در زندان و دفاع شورانگیزی که در دادگاه از آرمان های والای زحمتکشان به عمل آورد ، نامی جاوید در تاریخ مبارزات مردم کشور ما یافت . ارانی در بیدارگاه با شجاعت و شهادت در محکوم کردن قانون سیاه ضد کمونیستی رژیم اعلام کرد :

" چطور می توان عقایدی را قذغن کرد که ریشه علمی آن با آغاز جامعه بشری شروع شده و در جمیع شعب زندگی فردی و اجتماعی از روی اصول و پایه های کاملاً منطقی اظهار نظر می نماید ... قسط آن

روز ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ ، دژخیمان استبداد ، مزدوران رژیم رضاخان ، مهره سرسپرده امپریالیسم انگلیس ، یکی از تابناک ترین چهره های جنبش کارگری و کمونیستی کشورمان را در زندان به شهادت رساندند .

رژیم استبداد در سیمای دکتر ارانی ، پیکارگری خستگی ناپذیر ، با استمدادی شگرف و تفکری والا می دید که هستی ارتجاع در ایران را به خطر انداخته بود . سراسر زندگی کوتاه ، ولی پریار دکتر ارانی ، پیکاری فداکارانه در راه راهی زحمتکشان کشور ما و برای تحقق عدالت اجتماعی در میهن ما ، است .

دکتر ارانی با الهام از پیروزی انقلاب کبیر و جنبش اوج گیرنده خلق های ایران در گیلان ، آذربایجان و خراسان ، به صحنه مبارزه سیاسی کشیده شد و تا پایان در این مبارزه پایمردی نشان داد . در دوران تحصیل در دانشکده فلسفه برلین به عضویت "جمعیت مبارزه علیه دیکتاتوری" که به وسیله ایرانیان مهاجر ایجاد شده بود ، در آمد و در این روند با کمونیست های نامداری چون مرتضی علوی ، نیک بین و سلطان زاده آشنا شد و سرانجام به حزب کمونیست ایران پیوست .

با تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۰۶ (کنگره ارومیه) و سازماندهی دوباره انتشارات حزبی مانند روزنامه های "پیکار" و "نهضت" و انتشار مرتب آنها ، ارانی به همکاری با این نشریات پرداخت و تا هنگام مراجعتش به ایران به این کار ادامه داد .

دکتر ارانی در سال ۱۳۱۲ ، به اتفاق جمعی از

## ده سال پس از ...

از این یورش فرا خواند .

ارتجاع ، برای پنجمین بار اعلام کرد که ریشه حزب توده ایران را از میهن ما کنده است . برنامه رژیم برای بی اعتباری منوی حزب ما ، با کشاندن چهره های دردم کوبیده شده ، نیمه فلج و مسخ شده انسان های مو سپید و زجر کشیده بر روی صفحه تلویزیون ، نتوانست تاثیری که برنامه ریزان این شوهای متفضح و خونین در انتظارش بودند ، در جامعه باقی بگذارد و آنچه در اذهان عمومی حک شد ، رفتار غیر انسانی ، حیوانی و جنایتکارانه کسانی بود که برای القبات "برتری ایدئولوژی" خود لازم دانستند انسان های بیمار ۷۰ ، ۸۰ ساله را با شلاق ، داغ و درفش شکنجه دهند ، تا آنان مانند گالیله اقرار کنند ، زمین گرد نیست ، و حزب توده ایران در طول بیش از ۵۰ سال تاریخ مبارزاتی خود ، کاری جز "جاسوسی" نکرده است .

از انبوه "اسنادی" که رژیم ادعا کرد ، در جریان یورش به حزب توده ایران دال بر محکومیت حزب ما

بدست آورده است ، تا به امروز حتی یک ورق کاغذ ، که بتوان به آن در یک دادگاه صالح و عادل استناد کرد ، انتشار نیافته است ، و سران رژیم هراسناک از افشا شدن جنایاتشان در درون سیامچال ها ، در مرداد سال ۶۷ ، هزاران زندانی سیاسی ، از جمله گروه زیادی از اعضا ، هواداران و رهبران حزب ما را در یک کشتار بی سابقه ، قتل عام کردند .

حزب توده ایران در یورش خونین بهمن ۶۱ گروهی از بهترین و شایسته ترین فرزندان خود را از دست داد . انسان های شریفی که تمامی عمر خود را وقف مبارزه برای پیروزی آرمان های والای آزادی و عدالت کرده بودند ، گروهی از برجسته ترین محققان ، نویسندگان ، مترجمان و متخصصان امور اجتماعی ، سیاسی و اقتصادی کشور ، به خاک و خون کشیده شدند ، تا استبداد بتواند چند صباحی بیش به حکومت منفور خود ادامه دهد .

حزب ما بی شک یک دهه بسیار دشوار ، پرحادثه و طوفانی را پشت سر گذاشته است . از سال های دشوار نخست پس از یورش تا گسست های افراد سست عنصر و بی اعتقاد تا تحولات شگرف جهانی ، آزمون دشواری بوده است که حزب ما به همت کار شبانه روزی و قهرمانانه اعضا و هواداران

قانونی مقدس است که حافظ منافع توده ها باشد ... سرانجام در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ ، چراغ پرفروغ زندگی دکتر ارانی ، این فرزانه و دانشمند انقلابی خاور زمین در سن ۲۸ سالگی خاموش شد . ولی بذری که ارانی در کشور ما افشاند ، سرانجام بساط حکومت استبداد شاهنشاهی را در هم پیچید و راه را برای دستیابی به آزادی و عدالت در ایران هموار تر کرد .

حزب ما از بدو تاسیس تاکنون این روز را به عنوان روز تجدید عهد با آرمان های والای زحمتکشان کشورمان ، راهی که دکتر ارانی و تمامی رهروان پس از او در آن گام گذاشتند ، گرامی شمرده و در این روز به خاطره همه شهیدان حزب و تمامی شهدای راه آزادی و عدالت در کشورمان درود می فرستد .

یادشان گرامی  
وراهشان پررهرو باد !

خود در داخل و خارج از کشور به پیش برده است و پرچم پر افتخار رژیم ارانی ها ، روزیه ها ، وارطان ها ، افضلی ها ، حکمت جوها ، تیزابی ها ، مهرگان ها ، کی منش ها و ... را در اهتزاز نگه داشته است .

احیای سازمان های حزبی در داخل و خارج از کشور ، بازسازی ارگانهای مرکزی حزب ، علی رغم دشواری ها زیاد ، و بالاخره برگزاری سومین کنگره حزب توده ایران ، پاسخ شایسته ای است که توده ای ها به یایوه سربازی های رژیم ، نیروهای ارتجاعی و واپسگرا پیرامون خواب توفیق آنان در "از بین رفتن" حزب داده اند .

ما اطمینان راسخ داریم که سرنوشت مترجمان حاکم جز سرنوشتی که رژیم استبدادی گذشته داشت نخواهد بود و دیری نخواهد پایید که جنایتکاران کنونی در دادگاههای خلق پاسخگوی جنایات خود خواهند بود . مبارزه ما ، و مردم زجر کشیده کشورمان در کنار سایر نیروهای آزادیخواه و تحول طلب تا پیروزی نهایی و طرد رژیم "ولایت قییه" ، همچنان ادامه خواهد یافت .

حزب توده ایران - این پرومته و ققنوس رژیم زحمتکشان میهن ما همچنان با استواری و پویندگی پرچم آرمانهای مردم وطن ما را برای آزادی ، صلح و عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت قییه" بدوش می کشد .

## بودجه سال ۷۲ ...

مالیاتی، ۶۷/۲٪ از محل درآمد فروش نفت و ۹/۸٪ آن از سایر درآمدها تامین خواهد شد.

صرف نظر از ادعاهای مسخره رفسنجانی در هنگام ارائه بودجه، پیرامون رشد "معجزه آسای" ارقام بودجه کشور و رشد بودجه های عمرانی و اقتصادی کشور آمار حقیقی اقتصادی تصویر دیگری را بدست می دهند. حتی رفسنجانی نیز در توضیح افزایش هزینه های جاری کشور، دم خروس ارقام غیر واقع بینانه بودجه را به این شکل آشکار می کند:

"هزینه های جاری در لایحه بودجه سال ۱۳۷۲ معادل ۱۳۹۰۲/۴ میلیارد ریال برآورد شده است که نسبت به رقم مشابه در سال ۱۳۷۱ حدود ۸۵/۳٪ افزایش نشان می دهد. بدون در نظر گرفتن افزایش ناشی از تغییر نرخ برابری ارز و سایر اقلام جدید ... رشد هزینه های جاری سال آینده نسبت به سال ۱۳۷۱ حدود ۲۱٪ است..."

به عبارات دیگر ارقام منعکس شده در بودجه سال آینده به علت تفاوت محاسبات در نرخ برابری ارز، تقریباً معادل ۶۰٪ رشد کاذب داشته اند.

رفسنجانی خوب می داند که بودجه ارائه شده، که بیشتر به شعبده بازی با ارقام شبیه است تا واقعیات سخت اقتصادی کشور، چه تأثیرات مخربی بر پیکر اقتصاد بیمار کشور، خصوصاً بخش تولیدی برجای خواهد گذاشت و از این رو اعلام می کند: "یکی از ملاحظات اساسی که در تنظیم بودجه سال آینده مورد نظر بوده است پیش بینی اعتبارات کافی برای جبران آثار کاهش قدرت خرید دستگاه های دولتی ناشی از یکسان سازی نرخ ارز و جلوگیری از افزایش قیمت های کالاهای اساسی است..."

مکانیسم و چگونگی عملکرد این پیش بینی ها برای جلوگیری از بالا رفتن قیمت ها و جبران کاهش در آمد ارزی دستگاه های دولتی و صنایع تولیدی کشور، که برای ادامه حیات به شدت به مواد خام وارداتی نیازمند هستند، در هیچ جای سخنان ارائه شده به هنگام طرح بودجه سال آینده توضیح داده نشده است.

بررسی آمار واقعی درآمد دولت که همچنان مانند گذشته، کاملاً به درآمد از محل فروش نفت اتکاء دارد، و با توجه به تاریخ بودن افاق بازار نفت و امکان سقوط قیمت نفت، به دلیل وارد شدن دوباره کویت و عراق به جمع کشورهای صادر کننده نفت، و عدم توافق کشورهای عضو اوپک با افزایش سقف تولید ایران تا مرز ۴ میلیون بشکه در روز، غیر واقعی بودن و خیال پردازانه بودن در آمدها را با توجه به درآمد نفتی دولت در سال های گذشته، که همواره به مقدار زیاد زیر سقف پیش بینی شده بوده است، روشن می سازد.

بحث پیرامون یکسان سازی نرخ برابری ارز و حذف سوبسیدها، عمده ترین نکات و موارد اختلاف موافقان و مخالفان بودجه سال ۷۲ را تشکیل می دهد. نکته این نیست که می بایست یک سیستم صحیح برابری ارز در کشور را پدید آورد، بلکه بحث بر سر چگونگی ایجاد

چنین سیستمی است. برنامه ریزی اصولی برای چنین کاری باید قاعدتاً با همکاری وسیع بخش های عمده اقتصادی کشور، خصوصاً بخش تولیدی کشور که در این تغییر و تحولات دچار دشواری های فراوان خواهد شد، انجام پذیرد. چنین برنامه ای نمی تواند و نمی بایست تنها به قصد سرهم بندی کردن ارقام بودجه و پنهان کردن عمق ورشکستگی اقتصادی کشور سازماندهی شود. در سخنانی که رفسنجانی به هنگام ارائه طرح بودجه کشور ایراد کرد به مکانیسمی که دولت بایستی در نظر گیرد تا از صعود بازم بیشتر قیمت ها، رشد سریع تورم و رشد بازم بیشتر حجم نقدینگی جلوگیری شود و همچنین به چگونگی کمک دولت به صنایع تولیدی کشور برای تامین مواد خام مورد نیاز اشاره ای نشد و از این رو، اگر عملکرد چهار سال گذشته ملاکی برای ارزیابی این سخنان باشد، باید بشدت پیرامون رشد نجومی تورم، افت جدی قدرت خرید مردم، ضربه دیدن بیشتر صنایع تولیدی کشور و افزایش تعداد بیکاران اظهار نگرانی کرد. یکسان سازی نرخ ارز اگرچه در دراز مدت امری اجتناب ناپذیر می باشد، ولی پیاده کردن آن در شرایط کنونی اقتصادی کشور، و بدون هیچگونه برنامه مشخص برای محدود کردن اثرات مخرب آن، بی شک اثرات فاجعه باری در اقتصاد کشور باقی خواهد گذاشت.

مسئله حذف و یا تعدیل سطح سوبسیدها نیز از جمله مسایل دیگری است که به نحو نامشخصی در بودجه کشور مطرح گردیده است. وجود و نقش سوبسید در اقتصاد کشور، به نقش و حدود دخالت دولت در امور اقتصادی کشور باز می گردد. در کشورهای در حال رشد، که دولت نقش عمده ای در اقتصاد کشور دارد و بخش عمده درآمد کشور در اختیار دولت است، پرداخت سوبسید به شکل وسیع و عمیقی در ساختار اقتصادی کشور تأثیر می گذارد. اگر رشد اقتصادی کشور در سطح متعادلی قرار داشت پرداخت سوبسیدها می توانست فقط به اموری همچون آموزش پرورش، و بهداشت کشور تعلق پذیرد و بدینسان زمینه ساز رشد جامعه گردد. ولی در شرایطی که اوضاع اقتصادی کشور با چنین بحرانی دست به گریبان است، بیکاری میلیونی و فقر و محرومیت، به شکل عمیقی، در ساختار اقتصادی - اجتماعی کشور نفوذ کرده است، پرداخت سوبسید در حمایت از میلیون ها انسان که در زیر خطر فقر زندگی می کنند (آمار رسمی رژیم رسمی معادل ۲۲ میلیون نفر است) به امری حیاتی برای ادامه زندگی حداقل میلیون ها انسان بدل می شود. حرکت به سمت رشد اقتصادی، شکوفا سازی تولید داخلی کشور، از طریق حمایت و کمک دولت، در کنار حرکت به سمت توزیع صحیح و عادلانه میلیاردها تومان ثروت ملی کشور، می تواند شرایط برای تغییر ساختار بیمار اقتصادی کشور را ایجاد کند. بودجه دولت به مجلس، به اعتراف خود رئیس جمهور، هیچ برنامه ای برای چنین تحولی در جامعه ما، پیش بینی نکرده است.

## برخی اظهار نظرها پیرامون بودجه سال ۷۲

"با مقایسه بودجه عمرانی که میزان آن ۹۸۰۹/۶ میلیارد ریال است با بودجه هزینه های جاری (۱۳۹۰۲/۴ میلیارد ریال)، مشخص می شود که بودجه بیشتر گرایش به تامین هزینه های دستگاه عظیم و غول آسای دولتی دارد ... اختلاف رقم بودجه جاری با بودجه عمرانی رقمی بالغ بر ۴۰۹۳/۸ میلیارد ریال می شود که با این رقم بزرگ می توان سدما طرح عمرانی و زیربنایی را به اجرا درآورد. و در صورت سنگینی کفه ترازوی بودجه به سوی هزینه های جاری، نشانی از مصرفی بودن بودجه است که خود بر لرزان بودن سلامتی بودجه تأکید دارد."

روزنامه "جمهوری اسلامی"

"در صورت افزایش سقف هزینه ها تورم به ۴۰ در صد خواهد رسید..."

رئیس کل بانک مرکزی

"با چنین نظام نگارشی بودجه برای آینده کشور نمی توان برنامه ریزی کرد و مسئول چنین روندی سازمان برنامه و بودجه است..."

رئیس کمیسیون امور اقتصاد و دارایی مجلس

"بر اساس برنامه (پنجساله اول) حجم نقدینگی در این سال می بایست ۸/۲٪ رشد داشته باشد. در صورتیکه که رشد حجم نقدینگی از ۲۰٪ هم بیشتر شده است. نرخ تورم در سال ۱۳۷۲ بر اساس آمارهای رسمی به سه برابر پیش از پیش بینی برنامه خواهد رسید ... این لایحه بودجه هیچگونه اعتباری به بخش کشاورزی نداده و این از نقاط تخلفی سازز لایحه بودجه ففلی است..."

رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس

"در لایحه بودجه به جای اتکاء به آمارهای منطقی يك سری آمارهای غیر واقعی مد نظر قرار گرفته است که کسب درآمدها یکی از آن موارد است..."

یحیی - نماینده مجلس از تهران

## اشتغال در کشور به سمت رکود پیش می‌رود



ابوالقاسم سرحدی زاده، دبیر اولین سمینار "دفاع از تولید ملی" و وزیر سابق کار در جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۱۴ دی ماه در يك مصاحبه مطبوعاتی در تهران اعلام کرد که اشتغال در کشور به سمت رکود می‌رود. وی در این مصاحبه از جمله گفت: "تعدادی از کارخانه های کشور از پرداخت مستمری کارگران خود عاجز شده و بسیاری از آنها کیفیت های کاری خود را کاهش داده اند..." و درباره سیاست دولت در این زمینه گفت: "دولت با اتخاذ و انتخاب راه تعدیل اقتصادی، امیدهای فراوانی به منظور دستیابی به اشتغال کامل و تولید ملی داشت، اما هم اکنون شواهد و قرائن بسیار ناخوشایند است و نمی توان امیدواری زیادی برای بنگاههای اقتصادی کشور به وجود آورد."

وی در این مصاحبه از سطح اشتغال کنونی کشور و اثرات بودجه جدید ارائه شده به مجلس سخنی نگفت، ولی از آنچه که تاکنون از آمار منتشر شده در جمهوری اسلامی می توان نتیجه گیری کرد، تمهید بحران بیکاری و رشد سریع اشتغال کاذب در جامعه است. اذعان دولت به بیش از ۳ میلیون بیکار، در حالیکه سالانه ۳۳۰ هزار نفر به جمعیت جویای کار کشور اضافه می شود، و نبود هیچگونه برنامه مشخص برای تربیت بیکاران برای راهیابی به بازار کار، نشانگر ادامه سیاست های مخرب اقتصادی متکی بر اقتصاد تک محصولی و بی توجهی کامل به صنایع تولیدی داخلی است.

## تجربه اقتصادی "بی همتا"

دکتر عادل رییس کل بانک مرکزی در سخنانی که به دروغ های تبلیغاتی گویلز شباهت داشت تا واقعیات جامعه ما، مدعی شد که تجربه اقتصادی در کشور ما بی همتا و بی نظیر است. اگر منظور دکتر عادل از این سخنان اینست که در هیچ کجای دیگر جهان نمی توان دولتی را پیدا کرد که این چنین امکانات عظیم نفتی و گاز و سایر منابع طبیعی کشور را به باد فنا بدهند و چنین فاجعه اجتماعی - اقتصادی در کشور بار بیاورند، و از این نظر تجربه جمهوری اسلامی بی همتا است می توان به راحتی با او موافقت کرد، ولی اگر منظور دستاوردهای اقتصادی کشور است، تنها کافی است که توجه ایشان را به برخی آمار منتشر شده توسط خود جمهوری اسلامی پیرامون فقر، عقب ماندگی اجتماعی، بیکاری و سایر فجایع اجتماعی جلب کنیم تا مایهت "بی همتا" بودن تجربه اقتصادی ایران روشن گردد. دکتر عادل ضمن انتقاد به برخی از روزنامه های کشور از جمله گفت: "روزنامه ای نوشته بود ۴۰ میلیون فقیر وجود دارد که تشریف آن از خط فقر اعتباری است و این رقم اشتباه است..." دکتر عادل فراموش می کند که

## کمبود کتاب و کتابخانه در ایران

بر اساس اعتراف دکتر لاریجانی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در "گردهمایی بررسی طرح توسعه کتابخانه های کشور"، مسئله کتاب و کتابخانه در شرایط فعلی جامعه ما با مشکلات فراوانی روبرو است و باید از تجربیات دست اندرکاران این امور به نحو احسن استفاده کرد. به گفته وی تنها ۶۰۰ کتابخانه عمومی در سرتاسر کشور وجود دارد. و در حالیکه متوسط تولید کتاب در جهان سالانه ۸۵۰ هزار عنوان برآورد شده است، این رقم در ایران بین ۶ تا ۸ هزار عنوان می باشد.

بر اساس این آمار در کشوری که تیراژ کتاب کمتر از ۱۰ هزار جلد باشد، برای ناشرین چاپ کتاب صرفه اقتصادی ندارد. با تک نرخی شدن ارز باید منتظر وخیم تر شدن اوضاع و در خطر افتادن بسیاری از نشریات کشور بود. اگر پیش بینی روزنامه سلام درست باشد، خطر بسته شدن، بسیاری از مجلات و حتی روزنامه های بزرگ کشور را تهدید می کند.

## ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت برای تامین بودجه کشور

بر اساس گزارش آقا زاده وزیر نفت، دولت جمهوری اسلامی برای تامین هزینه های خود در سال گذشته باید روزانه حدود ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه نفت به خارج صادر و به مبلغ ۱۶/۳ الی ۱۷/۳ دلار به فروش برساند.

وی طی همین گزارش خبر افزایش قیمت های فرآورده های نفتی در کشور را بشدت تکذیب کرد. البته لازم به تذکر است که این رقم صادرات نفت بر اساس رقم تولید ۴ میلیون بشکه در روز محاسبه شده است که خواست ایران از کشورهای اوپک بوده است و در آخرین کنفرانس کشورهای عضو، با آن مخالفت شد. ولی بر اساس گفته آقا زاده ایران مصمم است که در اجلاس بعدی بار دیگر این خواست خود را برای افزایش سقف تولیدی، مطرح کند.

بر اساس آمار ارائه شده در برنامه بودجه سال ۱۳۷۲ بار دیگر بخش عمده بودجه کشور، یعنی بیش از ۶۷٪ آن از محل درآمد نفت تامین می گردد و بنابراین هرگونه نوسانات ناگهانی در بازار جهانی نفت و سقوط قیمت ها می تواند اثرات فرق الماده مخربی بر اقتصاد کشور برجای بگذارد ادامه سیاست حاکم در سال های گذشته در طرح ارائه شده بودجه سال ۱۳۷۲ و دفاع از اقتصاد مصرفی در مقابل اقتصاد تولیدی تاکنون اثرات فاجعه باری برای مردم کشور ما پدید آورده است و حتی فروش این میزان نفت نیز نمی تواند جوابگوی مشکلات ارزی دولت باشد. به گفته خود وزیر نفت و دکتر عادل رییس بانک مرکزی، علی رغم اینکه ایران در سال گذشته معادل ۱۸ میلیارد دلار نفت در بازار جهانی به فروش رسانده است به علت ورود بیش از ۲۸ میلیارد دلار کالای مصرفی به کشور، دولت با کمبود ارزی شدیدی مواجه گردید.

حتی بر اساس آمار منتشره از سوی مرکز آمار، بیش از ۲۲ میلیون نفر از ساکنان کشور ما زیر خط فقر، یعنی درآمد سرانه ۶۵ هزار تومان در سال برای خانواده های شهری و ۴۵ هزار تومان در سال برای خانواده های روستایی، زندگی می کنند. و تنها ۲٪ از خانواده های کشور ما درآمدی بالای ۲۰۰ هزار تومان در سال دارند.

دکتر عادل در توضیح ادعای خود از جمله سخنان "نفر" زیر را به عنوان دلیل ارائه داد: "تجربه کشور ما بی همتا و بی نظیر است چرا که از ایتدای انحراف قیمت ها، یک اقتصاد بازار واقعی با اندکی تورم (همش حدود ۲۰٪) در کنار بازار رسمی بوجود آورد و همواره اقتصاد ما مخلوطی از این دو بازار بود. به دلیل همین دویازار هیچکس زندگی خود را براساس قیمت های صرفاً کوپنی یا ارز ۷۰ ریالی تنظیم نکرده بود..."

## بی توجهی کامل به امر تحقیقات علمی در جمهوری اسلامی

دکتر محسن خلیجی اسکویی رییس دانشگاه علامه طباطبائی در جریان برگزاری کنفرانس "کاربرد تحقیقات اجتماعی - اقتصادی در برنامه توسعه" اعلام کرد: بودجه تحقیقاتی کشور بسیار ناچیز است. به گفته او تنها ۰/۳ درصد از تولید ناخالص ملی کشور به امر تحقیقات اختصاص یافته است، در حالیکه در کشورهای پیشرفته سهم تحقیقات از تولید ناخالص ملی به ۴٪ نیز می رسد. وی همچنین اعلام کرد در حالیکه بیش از ۷۰٪ محققین کشور در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی فعالیت دارند، تنها ۱۱٪ از بودجه تحقیقاتی به این موسسات اختصاص داده شده است.

وی در این سخنان نگفت که بقیه بودجه تحقیقاتی کشور به چه شکلی و توسط چه وزارت خانه و یا چه موسساتی خرج می گردد. ولی تصور اینکه این بودجه سر از حوزه های "علمیه" و جیب سردمداران حکومتی و نورچشمی های آنها و "بازاریان" محترم سر در بیاورد چندان دور از ذهن نیست.

## یوگسلاوی

علی رغم اظهارهای تهدید آمیز ایالات متحده و جامعه اروپا پیرامون حمایت مردم یوگسلاوی از اسلوبودان میلوسویچ در جریان انتخابات ریاست جمهوری این کشور، نتایج اعلام شده حاکی از شمارش ۵۶٪ آراء به نفع میلوسویچ می باشد. رقیب انتخاباتی او، میلان پانیک، که یک میلیونر تبعه آمریکا است تنها توانسته است ۲۶٪ آراء را به خود اختصاص دهد. در کنار برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، حزب سوسیالیست این کشور نیز توانست در جریان برگزاری انتخابات پارلمانی، اکثریت آراء را به خود اختصاص دهد. میلان پانیک و طرفداران او اعلام کردند که نتایج انتخابات را قبول ندارند. آنان اگرچه تاکنون مدارک و شواهدی مبنی بر تقلب های انتخاباتی ارائه نداده اند، معذالک مدعی اند که پوشش تلویزیونی کارزار انتخاباتی عادلانه نبوده است.

به نظر می رسد در صورتیکه دولت های غربی نتوانند در آینده نزدیک تغییر سیستم سیاسی و ترکیب رهبری سرپرستان و یوگسلاوی را تضمین کنند، مداخله نیروهای پیمان ناتو در درگیری های بوسنی هزرگوین حتمی خواهد بود. در روز اول دی ماه سال جاری منابع وابسته به ناتو افشاء کردند که تصمیم به ممنوعیت پروازهای هواپیماهای صرب بر فراز بوسنی، در صورت موافقت سازمان ملل می تواند شامل استفاده از هواپیماهای جنگی پیمان ناتو برای حمله هوایی به فرودگاه های صرب باشد. بر اساس گزارش های مطبوعات غربی پایگاه هوایی آویانو در نزدیکی مرزهای یوگسلاوی به حالت آماده باش کامل در آمده است و یک اسکادران از جنگنده های اف ۱۶ به این پایگاه ارسال شده است.

رادوان کاردیچ رهبر صرب های بوسنی اعلام کرد: " این عمل مطلقاً غیر ضروری است... چرا به خشونت دامن زده می شود و امکان شکست پیشرفت های حاصله (در جهت متوقف کردن درگیری ها) را بدین ترتیب از میان ببریم... او به طور ضمنی اعلام کرد که مداخله کشورهای عضو ناتو به درگیری ها وسعت بیشتری خواهد بخشید... به نظر او " کشورهای عضو ناتو خود را به مثابه دشمن مردم سرپرستان معرفی نموده اند. ناظران سیاسی معتقدند که حمله هوایی به مواضع صرب ها به احتمال فراوان به یک جنگ دراز مدت میان نیروهای درگیر، همراه با تلفات فراوان، منجر خواهد شد.

## بروکسل

از سوی مقامات بلند پایه پیمان نظامی ناتو که در جلسه شورای عالی این پیمان تجاؤزگر شرکت دارند بیانیه های ضد و نقیضی در مورد مداخله قریب الوقوع نیروهای نظامی تحت فرماندهی آن در بوسنی-هرزگوین منتشر شده است. دبیر کل ناتو اعلام کرده است در صورتیکه سازمان ملل "تقاضا کند"، نیروهای نظامی ناتو بصورت مسلحانه در درگیری های یوگسلاوی سابق علیه صرب ها وارد عمل خواهند شد. گزارش مطبوعات اروپایی حاکی است که در جلسه شورای پیمان ناتو در بروکسل اعلام شده است که واشنگتن مخالف استفاده از نیروهای نظامی ناتو در برخورد های بوسنی می باشد. در جلسه شورای ناتو، دیک چینی، وزیر دفاع آمریکا اشاره کرد که "شمار بین المللی فزاینده ای برای مداخله غرب در فاجعه یوگسلاوی وجود دارد". بنظر می رسد که اشاره دیک چینی به کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی در جده می باشد که در اواسط ماه آذر با حضور دیوید



اوئن، سیاستمدار انگلیسی و سایروس ونس، سیاستمدار آمریکایی، روسای مشترک اقدام سازمان ملل برای حل بحران یوگسلاوی، تشکیل شد. جمهوری اسلامی ایران و هیئت نمایندگی ترکیه (عضو ناتو) در جهت اتخاذ یک راه حل نظامی در طرفداری از بوسنی کوشش می کردند. این کنفرانس یک ضرب الاجل شش هفته ای برای حل مسألت آمیز بحران تعیین کرد که در صورت عدم حصول آن، کشورهای اسلامی اقدامات نظامی خود را در رابطه با این درگیری تشدید خواهند نمود.

## سودان

۲۲ دی ماه ماموران امنیتی و اطلاعاتی سودان به یک مقر مخفی حزب کمونیست سودان در حومه خرطوم، پایتخت این کشور، یورش برده و تعدادی از فعالین و کادرهای حزب را دستگیر کردند. براساس بیانیه سازمان امنیت سودان، مامورین پس از حمله و اشغال ساختمان روزنامه "المیدان" (ارگان حزب کمونیست سودان)، در آنجا به کمین نشستند و پس از چند روز توانستند تعدادی از کارکنان روزنامه و فعالین حزب را دستگیر نمایند. حزب کمونیست سودان توسط حاکمیت نظامی که زیر کنترل بنیادگرایان اسلامی است، غیر قانونی اعلام شده است و روزنامه آن بطور مخفی و زیر زمینی چاپ و انتشار می یابد. دو تن از دستگیر شدگان از اعضای رهبری حزب می باشند.

به گفته ماموران امنیتی، آن ها در هجوم به مقر حزب توانسته اند به اسناد و مدارکی در رابطه با ارتباطات و فعالیت های حزب در داخل و خارج از سودان دست بیابند. برخی ناظران سیاسی، وضعیت این حمله را با یورش خونینی که در ژوئیه سال ۱۹۷۱ توسط دولت جعفر نمیری به حزب کمونیست کرده بود، مقایسه کرده اند.

## آنکولا

بدنبال عدم قبول نتایج انتخابات همراه جاری از طرف نیروهای ارجحی "اونیتا" به رهبری "ساویمی"، اوضاع کشور بحرانی تر گشته است. برخوردهای نظامی بین نیروهای دولتی و مزدوران "اونیتا" شدت بیشتری گرفته است. علیرغم مصالحتات و اقدامات آشتی جویانه دولت آنکولا، "ساویمی" با استفاده از حمایت علی آفریقای جنوبی و چشم پوشی آمریکا و شورای امنیت سازمان ملل نسبت به اقدامات ماجراجویانه او در نقض قرارهای صلحی که زیر نظارت سازمان ملل بسته شده با کارشکنی در حیات اقتصادی

از عادی شدن وضعیت در کشور جلوگیری می کند. دور جدید جنگ داخلی عملاً در ماه اکتبر، متعاقب شکست "اونیتا" در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری، آغاز گردید. "ساویمی" با عدم قبول نتایج انتخابات که تحت نظارت هیئت های سازمان ملل برگزار گردیده بود و همه ناظران بی طرف عادلانه بودن و صحت همه پروسه های آن را تأیید نموده بودند، کوشش خود را برای تصاحب قدرت از طریق کودتا و تهاجم نظامی غافلگیرانه دوچندان نموده است. نیروهای دولتی با خنثی نمودن حملات "اونیتا"، ضمن تأکید متوالی بر آمادگی برای شرکت دادن "اونیتا" در یک دولت آشتی ملی و خاتمه دادن به جنگ داخلی ۱۶ ساله، سعی داشته اند که مزدوران "اونیتا" را از شهرهای اصلی آنکولا به عقب برانند. هم اکنون هوامبو، دومین شهر آنکولا، که مرکز قدرت "اونیتا" است، کانون برخوردهای نظامی می باشد و طبق اخبار رسیده تعداد زیادی در این برخوردها کشته شده اند. بیانیه دولت، که اخیراً انتشار یافت، متذکر می شود، "نیروهای نظامی از تمامی پتانسیل خود برای دفاع از مردم استفاده خواهند نمود".

"اونیتا" برای فلج کردن حیات اقتصادی کشور، به سیاست هجوم های غافلگیرانه دست زده است. در این رابطه می توان به سقوط شهر نفت خیز سوویر در روز اول بهمن ماه اشاره کرد. سقوط سوویر که حدود یک سوم نفت آنکولا را تولید می کند؛ با توجه به این امر که ۹۰٪ درآمد ارزی آنکولا از طریق نفت تأمین می شود، در دراز مدت به اقتصاد آنکولا ضربه خواهد زد.

## گوآتمالا

"خووانا واسکز"، یکی از رهبران جنبش سرخپوستان گوآتمالا اعلام کرد که پس از ۵۰۰ سال خفقان، اخیراً ۲۵۰۰ تن از نمایندگان سرخپوستان گوآتمالا در جلسه ای در شهر ناؤلوا خواستار بررسی وضع زندگی مردم بومی از نظر فقر، استثمار و شرایط اجتماعی شدند. نمایندگان ملی قلمنامه ای اعلام کردند که معاهده بین المللی ۱۹۶۹ "سازمان بین المللی کار" در رابطه با حقوق مردم بومی را به رسمیت می شناسند. این جلسه، ماه اکتبر را، "ماه مقاومت" سرخپوستان گوآتمالا اعلام کرد.

## برزیل

رهبر حزب کمونیست برزیل طی ملاقاتی با رئیس جمهور جدید این کشور، "ایتمار فرانکو"، مواضع حزب کمونیست را توضیح داد. بنا به گزارش روزنامه "طبقة کارگر"، رهبر حزب کمونیست در این ملاقات نگرانی حزب را در مورد سیاست "بازار آزاد" و عواقب منفی ناشی از آن، ابراز کرد. طرفین در این ملاقات راجع به ضرورت دفاع از دمکراسی و منافع ملی کشور به توافق هایی دست یافتند.

## آفریقای جنوبی فرمان انتخابات

کنگره ملی آفریقا و مقامات دولتی رژیم پرتوریا بر سر تاریخ اولین انتخابات دمکراتیک فرا نژادی در آفریقای جنوبی با هم به توافق رسیدند. بر اساس اظهارات "تلسون ماندلا"، کنگره ملی آفریقا به این هدف که رژیم برگزاری انتخابات را پیش از پایان همین سال بپذیرد، دست یافت. "دکلرک" قبلاً زمان انجام انتخابات را در ماه آوریل سال ۱۹۹۴ تعیین کرده بود.

# دولت آشکارا سر کارگران کلاه می گذارد!

می گذارد با سود ۸ درصد است، در صورتی که همین بانک این پول را با سود دوازده و نیم درصد به کارگران پرداخت می کند و این عمل خود یک نوع اجحاف در حق کارگران است».

بانک رفاه، که آقای میرمحمدی از آن سخن می گوید، در این مدت در حق کارگران اجحاف زیاد کرده است. محبوب، دبیرکل خانه کارگر جمهوری اسلامی، اخیراً در یک جلسه، عملکرد ضد کارگری این بانک را تشریح کرد. به گفته او: «متأسفانه بانک رفاه که از سرمایه کارگران تشکیل شده، تاکنون حاضر به انعقاد قرارداد جهت تخصیص اعتبار لازم برای پرداخت وام خرید و ساخت و تعمیر و غیره به کارگران نشده. وی در ادامه سخنان خود اظهار امیدواری کرد که «نمایندگان مجلس شورای اسلامی اجازه ندهند سرمایه کارگران به غیر از کارگران مورد استفاده دیگری قرار گیرد و از حقوق کارگران در تأمین اجتماعی صیانت و حفاظت گردد».

اما این خوشبینی آقای محبوب نسبت به مجلس و دولت، مورد تأیید دیگر نمایندگان کارگران نیست. به گفته نماینده کانون شوراهای اسلامی کار خوزستان، تاکنون «برای قشر کارگر این استان هیچ اقدامی در زمینه بهداشت و درمان صورت نگرفته است... بنظر من علت این همه... آقایان وزرا هستند».

به جای دیگر منتقل می شوند و سرانجام با هزینه کفاف در بیمارستان های خصوصی تحت درمان و معالجه قرار می گیرند و در چنین شرایطی صلاح نیست که امکانات و سرمایه کارگران در بخش ها دیگر هزینه شود».

مشابه همین اعتراض، از سوی میرمحمدی، دبیر عالی شوراهای اسلامی کار کشور، مطرح شد. وی که در جلسه کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور در خانه کارگر خراسان صحبت می کرد، گفت: «در این رابطه جامعه کارگری معتقد است، سرمایه ای را که با عرق جبین کارگران تهیه و انباشته شده و در اختیار این سازمان قرار گرفته باید در جهت رفع مشکلات این قشر عظیم بکار گرفته شود».

برداشت دولت از دارایی های سازمان تأمین اجتماعی در حالی اتفاق می افتد که این سازمان از هم اکنون با مشکل ارائه خدمات، به ویژه در بخش های بهداشت و مسکن روبرو است. به گفته آقای میرمحمدی، «سازمان تأمین اجتماعی کشور اخیراً در مطبوعات و رسانه های کشور اعلام کرده است که تا سقف ۲۰ میلیون ریال به متقاضیان وام مسکن پرداخت می شود، اما در این مورد تاکنون یک نفر از جامعه کارگری ما چنین وامی دریافت نکرده است». وی سپس در توضیح این مسئله گفت: «سازمان تأمین اجتماعی کشور وامی را که در اختیار بانک رفاه

اخیراً، مجلس شورای اسلامی، با یک طرح دو فوریتی، مبلغ ۵۰ میلیارد ریال از بودجه سازمان تأمین اجتماعی را برای تأمین کسری بودجه بیمارستان های وزارت بهداشت، به این وزارتخانه اختصاص داد. آنچه در این مسأله از اهمیت ویژه برخوردار است این است که بودجه سازمان تأمین اجتماعی، از محل پرداخت های حقوقی کارگران تأمین می شود و قاعدتاً باید صرف تأمین بیمه، بهداشت، مسکن و سایر امکانات برای کارگران گردد.

به همین دلیل، اقدام اخیر دولت مبنی بر هزینه کردن کسری بودجه بیمارستان های دولتی از محل دارایی های سازمان تأمین اجتماعی، چیزی جز یک کلاهبرداری آشکار از کارگران و زحمتکشان کشور نیست.

این مسأله به موج وسیعی از اعتراض های کارگران دامن زده است. از جمله، در جلسه هفتگی کانون هماعتکی شوراهای اسلامی کار محور جاده مخصوص کرج، که در اواخر مهرماه گذشته برگزار شد، یکی از اعضای هیئت رئیسه این شورا گفت: «آیا تجهیزات بیمارستان های دولتی از بیمارستان های تأمین اجتماعی کمتر است... که چنین برنامه هایی منظور می شود؟»، و مطرح کرد که «هم اکنون بیماران کارگر پس از مدتی به علت عدم تجهیزات و امکانات بیمارستان های تأمین اجتماعی از جایی

## اخبار زحمتکشان

برخی مقامات، علت اصلی مرگ این کارگر ۲۱ ساله، «عدم رعایت موازین ایمنی از سوی پیمانکار» بوده است.

همچنین در روز ۱۹ دی ماه اعلام شد که دو کارگر شرکت چرم سازی «روک» واقع در شهر ری، هنگام لاپرویی کانال مسدود شده فاضلاب این شرکت، جان خود را از دست دادند. به گفته یکی از کارگران بخش خدمات این شرکت که شاهد این واقعه بود، این دو کارگر به اصرار خود و با اظهار این مطلب که «باید کانال را باز کنیم تا شرکت تعطیل نشود و شب عیدی زن و بچه هایمان بیچاره نشوند» به داخل کانال می روند و به علت هوای مسموم درون کانال جان خود را از دست می دهند.

**تنها بیست درصد از عهده مخارج بومی آیند**

معاون آموزشی وزارت آموزش و پرورش در اواخر آبان ماه گذشته اعلام کرد که «با بررسی های بعمل آمده حدود ۲۰ درصد از افراد جامعه توانایی پرداخت هزینه تحصیلی فرزندان خود را دارند».

**گسترش طرح طبقه بندی مشاغل**

شورای عالی کار جمهوری اسلامی اخیراً طی یک مصوبه، کارگاه های شامل ۳۰۰ کارگر به بالا را مشمول طرح طبقه بندی مشاغل اعلام کرد. این طرح تاکنون شامل کارگاههای با ۵۰۰ کارگر و بیشتر می گردید. شورای عالی کار، برای اجرای این طرح، به کارگاه های مشمول این مصوبه تا اردیبهشت ماه ۱۳۷۲ مهلت داده است. با این وجود، از هم اکنون، تعدادی از کارفرمایان در مقابل آن دست به مقاومت زده، از اجرای آن خودداری می کنند.

**غفلت کارفرما، فشار زندگی و مرگ کارگران**

اخیراً خبر داده شد که یک کارگر شرکت پیمانکاری که در زمینه ساخت تانکرهای حمل مواد سوختی با شرکت آذراب اراک همکاری می کند، هنگام سنگ زنی داخل یک مخزن آتش گرفت و جان سپرد. به گفته

## "سامری" کی است و "گوساله زرین سامری" کدام است؟

آقای "حاج سید رضا تقوی" رئیس کمیسیون "فرهنگ، ارشاد و هنر اسلامی" در گفتگو با خبرنگار "کیهان" با بیان این اصل درست که "باید با خائنان مردم و مملکت قاطعانه برخورد کرد"، قضیه "تبرئه" مدیر مسئول نشریه "گردون" را پیش کشید و آن را مورد انتقاد قرار داد. نامبرده در توجیه مطلب خود به داستان "حضرت موسی" و "گوساله سامری" به نقل از "قرآن کریم" اشاره کرد و چنین گفت: "موسی از کوه طور بازگشت، قوم خود را دید در برابر گوساله ای که توسط سامری ساخته شده بود خضوع می کنند و آن مصنوع دست و فکر سامری را به عنوان خدا پذیرفته اند. موسی در برخورد با جریان سامری که با زمزمه شیطانی مردم را از مسیر حق منحرف کرده و از خداپرستی به گوساله پرستی کشانده بود این گونه عمل کرد که گوساله را بسوزاند و خاکسترش را بریاد دهد و سامری ضد انقلاب را از جامعه بکلی براند" ("کیهان" - ۶ دی - ۱۳۷۱) آقای "تقوی" سپس می افزاید: "قرآن کریم در این مورد به همه پیروانش راه و روش نشان می دهد و در بیان داستان راه های زیستن و زندگی کردن را می آموزد و ما نیز باید پندهایش را پذیرا باشیم" (همانجا)

برای آن که به گفته آقای "تقوی" پندهای این داستان و نظایر آن را پذیرا باشیم، باید تمثیلات آن را با شرایط تاریخی- انقلابی امروز جامعه خود، که در آن ۱۴ سال است انقلاب را به بیراهه کشانده اند، انطباق دهیم. هرگاه، با توجه به همه قرائن و شواهد تاریخی شخصیت "حضرت موسی" را که زداپند نه ستوه کژ اندیشی و کهنه پرستی و ستمکاری های زمان خود بود، در وجود "انقلاب شکوهمند" ایران تجسم بخشیم، آن گاه این پرسش های به جا مطرح می شود: "سامری" ها که "با زمزمه شیطانی خود مردم را از مسیر حق (یعنی انقلاب) منحرف کردند، چه کسانی هستند، و "گوساله زرین سامری" که آن ها مردم را به پرستش آن فرا می خوانند کدام است؟ و بالاخره، برای آن که انقلاب "گوساله" را بسوزاند و خاکسترش را بریاد دهد و سامری های ضد انقلاب را از جامعه بکلی براند "تکلیف چیست؟ پاسخ درست به این پرسش ها، ضمناً نشان می دهد که "خائنان به مردم و مملکت که باید با آن ها قاطعانه برخورد کرد" چه کسانی هستند؟

مردم ایران تنها مرجع برحق و قانونی هستند که می توانند به این پرسش ها شایسته ترین جواب را بدهند.

سردمداران جمهوری اسلامی مدتهاست که واژه جدیدی را در توجیه ناپسامانی های کشور "کشف" کرده اند و از ریز و درشت خواسته اند که در هوشیاری تمام بسر برند، برای مقابله با این آفت بزرگ مردم را بسیج کنند و خود را آماده دفع این "هجوم" نمایند. "تهاجم فرهنگی" که از سوی رهبران جمهوری اسلامی کشف شده است و گویا قریب ۱۰ سال بعد از "انقلاب فرهنگی" هنوز عامل تمام ناپسامانی های اجتماعی و سیاسی کشور، بیکاری جوانان، اعتیاد و فحشا، گرانی و تورم همین تهاجم خیالی بوده است و تقصیری متوجه سردمداران رژیم نمی باشد.

بعد از دمیدن فراوان در بوق و کرنای این "کشف" تازه توسط رهبران رژیم، اخیراً "شورای عالی انقلاب فرهنگی" که زیر نظر رفسنجانی کار می کند، برای حل نهایی دفع این آفت ساختگی به نتیجه رسیده و در ۱۲ ماده "اصول سیاست های فرهنگی کشور" را تصویب کرده و برای اجرا به ارگان های مربوطه ارسال نمود. بحث ما در کم و کیف این تصویب نامه کشدار نمی باشد که هر بند آن نیاز به شکافتن دارد. آنچه که مورد نظر است اینجاست که سردمداران جمهوری اسلامی تصور می کنند با دستور و تصویب نامه و آئین نامه می توان به مقابله با مشکلات واقعی پرداخت.

سران جمهوری اسلامی در دو سال بعد از انقلاب دانشگاه ها و مدارس عالی را بستند که چنین دستوری را تدوین کنند. بعد از پاکسازی عناصر مومن و متخصص و دگر اندیشان سیاسی، با هیاهوی تمام در موقیبت این انقلاب فرهنگی به بازگشایی مجدد آنها پرداختند و برای تکمیل برنامه های خود، هزاران مانع ایدئولوژیکی و تحقیقی را برای ورود دوباره افراد یاد شده ایجاد کردند و عناصر خود را در قالب دانشجویان سهمیه ای در دانشگاهها جای دادند و سرانجام نیز نتوانستند به هدف دلخواه خود که عبارت از تحمیل یک سونگری سیاسی و فکری، به بند کشیدن اندیشه آزاد و وادار ساختن شعور به اطاعت، برسند زیرا به مقابله با مقوله ای رفته بودند که تابع هیچ دستور و تصویب نامه ای نیست و خارج از اراده حاکمان، تصمیم می گیرد.

اکنون نیز سران جمهوری اسلامی به آزمایش دیگری دست زده اند، که بدون تردید نه معجزه ای را سبب خواهد گردید و نه تحولی را در کم ساختن فشارهای طاقت فرسای اجتماعی و اقتصادی ایجاد خواهد نمود. آنچه که حاکمان جمهوری اسلامی نمی فهمند این است

که فرهنگ از عناصر حیاتی و ریشه های همیشه در خاک یک ملت و یک جامعه انسانی است که نه با نیروی نظامی و نه با تدوین این و یا آن آئین نامه محدود کننده، می توان با آن مقابله نمود. ملت ایران ایستادگی و پایداری خود را بارها در حمله بیگانگان به میهن در سینه تاریخ ثبت کرده است و در حمله سردمداران جمهوری اسلامی به آرمان های انقلاب نیز هیچگاه از فرهنگ اصیل خود روی نکرده است. فراموش نمی شود که یک سنت عادی فرهنگی برگزاری نوروز باستانی، حتی با دستور خمینی در گرماگرم قداست وی چیزی را عوض نکرد و پایداری بدان همچنان حفظ گردید.

اما آنچه که امروزه مورد نظر رهبران جمهوری اسلامی از تهاجم فرهنگی است چیزی نیست جز اندیشه آزاد، هنر آزاد، ورزش آزاد، مطبوعات آزاد، متخصص آزاد، نواندیش آزاد، علم آزاد... و هر آن چیزی که با نام "آزاد" پیوند خورده است. حاکمان جمهوری اسلامی بنام ساختگی مقابله با تهاجم فرهنگی در تلاش هستند که این نافرمانی ها و رهایی ها را به بند کشیده، تحدید کنند و بخدمت خود در آورند. از نظر آنان کسی که آزاد باشد مهاجم است! مسلمانی که مثل حاکمان فکر نکند مهاجم است! اندیشه ای که در خدمت سران نباشد مهاجم است! سران جمهوری اسلامی دانسته مغلظه می کنند. دانش و علم، فن و تخصص مقوله هایی است که مرز نمی شناسد و تا زمانی که خود صاحب آن نباشیم از خارج هجوم خواهد آورد و واردات آن نیز فرهنگ ویژه خود را به ارمغان خواهد آورد و اگر خود بخواهیم صاحب باشیم شیوه های آن نیز با ماده های تصویبی و فرمایشات ولی امر ممکن نخواهد گردید. روینای سیاسی کشور است که چنین امکانی را بجا خواهد داد و امروزه که در جمهوری اسلامی ولی امر در مورد علم و هنر و ورزش و صنعت و تکنیک... حرف آخر را می زند و بجای عالم و هنرمند و ورزشکار... تصمیم می گیرد شکست های طبیعی خود را "تهاجم فرهنگی" می نامد و شیوه مقابله با آن را نیز در تصویب آئین نامه ها جستجو می کند! "تهاجم فرهنگی" ساخته و پرداخته رژیم را می توان در تهاجم سردمداران رژیم قرون وسطایی به آزادی اندیشه، سیاست، هنر و حقوق فردی و اجتماعی... دانست که رژیم جمهوری اسلامی خود از سرکردگان چنین تهاجمی می باشند و ادامه مقاومت مردم است که آنان را به خشم آورده است.

## دوازدهمین کنگره حزب کمونیست آلمان

دانمارک، بلژیک، چین، کوبا، السالوادور و چک آن ها را در جریان رویدادهای داخلی و منطقه و مواضع حزب در این مورد قرار داد. به ابتکار نماینده کمیته مرکزی حزب بیانیه ای در اعتراض به سرکوب جنبش آزادیخواهان مردم ایران از سوی رژیم جمهوری اسلامی و همبستگی با مردم ایران، خطاب به دبیر کل سازمان ملل متحد، به امضای احزاب کمونیست و کارگری رسید.

کنگره در جریان دو روز بحث خلاق و زنده اساننامه و طرح تره‌های برنامه ای حزب کمونیست آلمان را با تغییراتی تصویب نمود و به انتخاب رهبری جدید حزب پرداخت و ۲ نفر را بعنوان سخنگویان حزب ("هاینتس اشتر" و "ولف پریر") انتخاب نمود. در خانه نمایندگان احزاب کمونیست آفریقای جنوبی، کوبا و فرانسه طی قرائت پیام احزابشان، همبستگی خود را با حزب کمونیست آلمان اعلام نمودند. در این کنگره مبلغ ۱۰۰,۰۰۰ مارک کمک مالی، جمع آوری شده از سوی حزب کمونیست آلمان، بعنوان همبستگی با خلق کوبا به نماینده این حزب در کنگره تقدیم گردید.

در کنگره قطعنامه های مختلفی از جمله همبستگی با اریش هونکر و نیز همبستگی با خلق فلسطین، به تصویب رسید.

کرده است" اضافه نمود، "پس از انهدام جمهوری دمکراتیک آلمان و قبل از سالگرد واگذاری قدرت به نازی ها، شاهد موج نئونازیسم، راسیسم و خارجی ستیزی در کشورمان هستیم. نازی ها در سال ۱۹۹۲، بیش از ۲۰ نفر را به قتل رسانیدند... و مدت‌هاست که در کنار خارجی ستیزی، دشمن خود را در چپ ها و کمونیست ها می بینند و در آینده به عنوان نیروهای ضریب علیه جنبش کارگری عمل خواهند کرد".

رفیق "اشتر" با تاکید بر ضرورت ارزیابی وسیع و اساسی و تجربه اندوزی لازم اظهار داشت، "راه سومی بین سرمایه داری و سوسیالیسم و همگرایی بین این دو سیستم و دو ایدئولوژی وجود ندارد. این امر را نه تنها بازگشت به سرمایه داری در کشورهای سابق سوسیالیستی بلکه شرایط حاکم بر جهان نیز به اثبات می رساند. سرمایه داری قادر به حل معضلات در جهت تامین منافع زحمتکشانش نیست و بشریت را در مجموع بسوی بحران های، جدیدتر و وخیم تری سوق می دهد". سخنان در خانه خطوط اساسی فعالیت حزب را در عرصه های مختلف تبلیغی، مالی، تئوریک، جوانان، همبستگی بین المللی و انتخاباتی تشریح نمود.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در دیدار با هیئت های نمایندگی احزاب کمونیستی و کارگری از کشورهای آفریقای جنوبی، یونان، ترکیه، سوئد،

کنگره دوازدهم حزب کمونیست آلمان، در روزهای ۲۶ و ۲۷ دی ماه در شهر مانهایم با موفقیت برگزار گردید. ۲۱۱ نماینده از سوی ۸۰۰۰ نفر اعضای حزب در کنگره شرکت کرده بودند تا در مورد مسایل مهمی چون "تره‌های برنامه ای حزب کمونیست آلمان"، اساننامه حزب و آینده جنبش چپ و ضد انحصاری در آلمان تصمیم بگیرند. نمایندگان احزاب برادر و از جمله نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران با حضور خود در این کنگره همبستگی خود را با حزب کمونیست آلمان اعلام نمودند.

کنگره با سخنرانی "پتر کین گولد" از مبارزان ضد فاشیست افتتاح شد. سپس "هاینتس اشتر" سخنگوی حزب گزارش هیئت رهبری به کنگره را قرائت نمود. وی با تحلیل اوضاع جهان و اشاره به بخشی از طرح برنامه حزب اظهار داشت، "وظیفه اصلی کمونیست ها مبارزه بر ضد استثمار، خطر جنگ و خطرات رشد یابنده ای است که از سوی قدرت های امپریالیستی دامن زده می شود. ما در جهانی زندگی می کنیم که در آن درگیری های نظامی فراوانی بوقوع می پیوندد. پس از جنگ خلیج فارس، ما شاهد جنگ جنایتکارانه در یوگسلاوی سابق، درگیری نظامی در خاور نزدیک که محرک آن سیاست تجاوزکارانه اسرائیل است، درگیری های منطقه ای در شوروی سابق، از سرگیری مجدد جنگ داخلی در آنکولا و ادامه جنگ در افغانستان هستیم. در عراق تقابل نظامی ابعاد تازه ای بخود می گیرد... وی در قسمتی دیگر از سخنانش با تاکید بر این امر که "تحولات جهانی چهره آلمان فدرال را دستخوش تغییر

## جهان عرب

نیروهای سیاسی و دولت های عربی علیرغم اختلاف نظرهای جدی در مورد مسایل خاورمیانه، نگرانی عمیق خود را در رابطه با حملات هوایی بی در پی به عراق اظهار داشته و حیرت خود را از این که چرا مردم عادی عراق باید تاوان اشتباهات صدام حسین را پس بدهند، ابراز نمودند.

اتحادیه عرب در بیانیه شدید الحنی عکس العمل خود نسبت به این حملات را اعلام نمود، "اتحادیه عرب استفاده از نیروی نظامی را در حل اختلافات بین کشورها مردود می شمارد و از اتخاذ سیاست وسعت بخشیدن به حملات علیه عراق اظهار تاسف می کند... (این حملات) اکنون شامل اهداف غیر نظامی عراق در بغداد شده که موجب تلفاتی در میان غیر نظامیان و مردم برادر عراق شده است." "اتحادیه عرب نیاز به اعمال کنترل و استفاده از مذاکرات سیاسی را تاکید می کند. در همان زمان از عراق نیز می خواهد که سرپا واحدهای پلیس خود را از خاک کویت بیرون کشیده و حاکمیت و استقلال کویت را، که خود یک عضو اتحادیه عرب می باشد محترم بشمارد." اتحادیه عرب جامعه بین المللی را فراخواند که به سیاست یک بام و دو هوا در رابطه با اعمال قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل خانه دهد چرا که این امر "باعث از بین رفتن اعتماد مردم شده و عکس العمل های منفی را در جهان عرب و اسلام، خواهد شد."

اردن و الجزایر نیز از حملات آمریکا شدیداً انتقاد نمودند. وزیر اطلاعات اردن، محمود الشاری گفت که علائمی از اختلاف نظر و دوستی در میان کشورهای ائتلاف ضد عراق به چشم می خورد. روزنامه الجزایری "له ژورنال" گفت که هرزیدنت بوش "در تاریخ و در خاطر مردم به عنوان یک شخصیت کینه جو و یک کوچک مرد ثبت خواهد شد." وزیر خارجه مصر، عامر موسی گفت، "این حملات ممکن است ادامه حیات عراق را به عنوان یک کشور و یک ملت زیر علامت سفول ببرد... و ما یک بار دیگر نگرانی خود را در مورد حاکمیت و استقلال عراق، یکپارچگی ارضی، اتحاد و امنیت مردم آن، ابراز می داریم."

در تونس سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین، ساف، در محکومیت حملات نظامی آمریکا به عراق گفت، "ساف این حرکت تجاوزگرانه مکرر را، هنگامی که دولت آمریکا با جلوگیری از اجرای قطعنامه های بین المللی در مورد اسرائیل، همه قطعنامه های سازمان ملل و شورای امنیت و همه معاهدات بین المللی را تقص می کند، محکوم می نماید."

## حزب توده ایران محکوم می کند

وزارت کشور اردن رسماً مخالفت خود را با فعالیت حزب کمونیست اردن و همچنین حزب بحث سوسیالیست اردن اعلام نمود.

دکتر یعقوب زبایدین، دبیر کل حزب کمونیست، دلایل وزیر کشور را در ممنوعیت حزب کمونیست، بی اساس، واهی و غیر دمکراتیک خواند.

حزب توده ایران، در رابطه با این سیاست سرکوبگرانه دولت اردن، با امضای طومار تهیه شده از سوی حزب کمونیست اردن خطاب به دولت اردن، ضمن تمییح این سیاست، خواستار امکان فعالیت قانونی برای حزب برادر شده است.

## کمک مالی رسیده:

ناصر از هامبورگ ۱۰۰ مارک

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Address : Postfach 100644 , 1000 Berlin 10, Germany

NO : 394

February 2, 1993

نامه مردم